



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۰/۱۶



نصیر احمد مومند

## کوتاه سخنانی از میلاد تا رحلت حضرت محمد «ص»

خدا در انتظار حمد ما نیست	محمد چشم براه ثنا نیست
خدا مدح آفرین مصطفی بس	محمد حامد حمد خدا بس
مناجاتی اگر باید بیان کرد	به بیتهی هم قناعت میتوان کرد
محمد از تو میخواهم دا را	خدایا از تو عشق مصفی را

آنچه که در باب شخصیت، زندگی، مقام و مرتبت ناجی بشریت خاتم النبیین آن یتیم جاوید حضرت محمد صلی الله علیه وسلم خدمت خوانندگان گرامی بیان میگردد سطر نیست از یک کتاب، کتابی بس حجیم پر بار و قیمت بها و قطره ایست از یک دریا، دریای زلال و همیشه جاری و روان او کسی نبود که بتوان باین اندک شرح و بیان از شخصیت او تصویر کاملی بدست داد. به بیان سعدی علیه الرحمه :

یتیمی که نا کرده قرآن درست      کتب خانه هفت ملت پشت

او «ص» اولین پیامبری است که هیچ شایبه غموض در ولادت، حیات و ممات شان واقع نشده است. اصل و نصیبش از پدر و مادر تا به حضرت ابراهیم به همه عرب و عجم معلوم و روشن است. اولین رسولیکه ماورای کتاب و سنت دینی خود در روشنترین صفحات علم تاریخ نیز و الاثرین جای و مرتبه را احراز کرده و بر علاوه وظیفه نبوت و رسالت خویش مسوولیت یک معلم مشفق و توانا را بر بنیاد آئین و مکتب انسان ساز و اجتماعی خویش نه تنها برای پیروان و امتش، بلکه بازکننده و رهکشای نهضت انسانی، ترقی و تکامل مادی و معنوی محسوب میشود و در حقیقت نهضت امروزی بشر خواه دنیا امروزه به آن اعتراف کند یا نی ؛ از روح نهضت علمی و اداری و سیاسی اش سرچشمه گرفته است. بدون شک آنحضرت یک سیاستدان، عالم و فاضل، متفکر بزرگ و نستوه بی بدیل بود.

آنحضرت صلی الله علیه وسلم روزی دیده به جهان کشود که سیطره جهل و نادانی و خرافات دامنش را گسترده، زندگی و عواطف انسانی جایش را به دشمنی و عداوت و کینه توزی، ظلم و بی عدالتی گذاشته بود. بربریت، ناروا، فساد اخلاقی و اجتماعی و بدبختی های گونه گون بر مردم و جامعه مسلط بوده و حکومت می کرد. خون مظلومان و بیچارگان به نا حق ریختانده می شد. ظلم و تجاوز و بی انصافی و فساد به اوجش رسیده و مردم راه گم شده بود و در کودال جهل و وحشت و نادانی افتاده بودند، موضوع نجات و راه خروج از مصیبت و بلای خانمانسوز و تپاه کننده از حیطه عقل و توان بشری بیرون به نظر می میرسید.

از جانب دیگر بازار ابلیس و ابلیس صفتان روز تا روز گرم تر شده و مردم را در پنجه های بیرحم وحشت تحت تاثیر و سلطه قرار داده بودند که انهمه مظالم و فساد و فجایع شراب نوشی و قمار بازی، زنا و تجاوز بر مال، ناموس و عزت مردم و بیت المال، خونریزی و زنده به گور کردنهای دختران و زنان و انواع ظلم و فجایع جز روح، مصروفیت و سرگرمی عادی مستکبران و جباران را تشکیل میداد. هر روز و با گذشت زمان انسان و انسانیت رنگ می باخت و جوهرش را از دست میداد، از مسیر اصلی اش منحرف میگردد و روح انسانی هر آن لحظه نارامتر و مضطرب تر می شد.

بلی ! باید اذعان نمود که «هر چیز انجामी دارد و هر تاریکی هم پایانی ؛ د ظلم کاسه نسکوره ده، او د ظالم دیوه ترسهاره نه بلیری». بر همین مبنی انجام گمراهی و مظالم و بدبختی ها نزدیک شده میرفت و موقع و موعد زوال آن فرا میرسید.

ای بهارستان اقبال ! ای چمن سیما بیا !      هر دو عالم در رکابت میدود تنها بیا !

روز به پایانش تقرب می جست و آفتاب دامن اشعه زرينش را از قریه، اطراف و اکناف و کوه دشت و دمن آهسته آهسته جمع می نمود و شب لحاف مکرر و تاریکش را در حال گسترده بود. شب فرا رسید و بسترش هموار شد مردم به

خواب آرام رفته بود ، خاموشی و سکوت حکم فرما بود؛ نسیم ملایم و معطر می وزید ، مهتاب با شعله های نقره فام روی سفیدش زمین را روشنی دلپذیری می بخشید؛ ستارگان مانند الماس سیاه در آسمان میدرخشید. این شور و هلهله فضا و عالم معنویت بود که با نشر و پخش پیغامهای شاد باش و مبارکی به هر طرف ؛ دنیای مادی را هم به شور و وجد آورده بود؛ در همین لحظات و دقایق بود آفتاب معنویت ، ناجی و معلم و رهنمای بزرگ بشریت در یک خانواده فقیر و بی بضاعت چشمش را به جهان باز کرد و آن شخصیت سترگ قدوم میمون و مبارکش را به عالم دنیا گذارد «که مولودش می نامند و در درازای بیشتر از هزار و چهارصدسال است که از آن روز تجلیل بعمل می آید و گرامی اش میدارند؛ درست زمانیکه ارواح نآرام و مضطرب و پریشان انتظار قدومش را میبردند . انس و جن همه برای آزمون و امتحان به میدان کشانیده شدند . خلاصه اینکه دنیا و همه هستی در خدمت و برای رحمت اللعالمین آماده و گمارده شده بود. با قدوم میمون و متبرکش آتشکده زردشت خاموش شد، حصار یمن و قلعه کسرا از هیبت و صلابت قدومش فرو ریخت و از هم پاشید .

### « چون محکمی کنگره قصر ترا دید ؛ غلطید حصار یمن و قلعه کسرا ء »

هرگاه به زندگی و سیرت حضرت رسول خدا محمد مصطفی «ص» مراجعه و دقت نمائیم به روشنی درمی یابیم که زندگی پر از تکلیف، مشکلات و مشقت بار داشتند ، این یتیم جاوید در آوان طفولیت و خورد سالی از محبت و آغوش پر مهر و عطوفت و شفقت پدر و مادری بهره و محروم و به ظاهر یک شبان بودند ، مگر رب العزت مقام و مرتبه بلند و شبنانی و رهنمایی انسان را برایشان انعام فرمودند . همینگونه حضرت رسول الله «ص» از نعمت سواد هم بی بهره بودند؛ اما رب العالمین توانایی و شایستگی مقام معلمی و رهنمایی بشریت از گمراهی و جهل را نثار و انعامش فرمود. آنحضرت «ص» به قوانین مزخرف و ناقص بشری علم و آگاهی نداشتند ، ولی با قانونی مجهز و مفتر گردیدند که بدون شک این قانون تا قیامت مشعل تابان رهنما و رهبر و نجات دهنده و روشن کننده راه عالم و آدم است. ولادت باسعادت رحمت اللعالمین قانونی را با خود همراه داشت که از پرتو انوارش همه آن جهالت و بدبختی های حاکم نه تنها در جزیره العرب و جامعه مسلمان ها ، بلکه راه را برای رهنمایی و نجات عالم بشریت از خرافات و بی عدالتی و مظالم روشن کرد. مردم را آگاه نمود و پیروان راه حقیقت را اجازه نداد ثابت های کاذب ساخته و پرداخته دست خود را سجد و پرستش نمایند . زنده به گور کردن دختران را اجازه نداد در برابر تمام آن ظلم و بیعدالتی، استبداد و تجاوز مسلط بر جامعه ایستاد و با قاطعیت دفاع نمود . و همه را به سوی یکتا پرستی ، رجوع و پرستش خدای واحد لاشریک و بی مثل و مانند «الله صمد» دعوت نمود .

هرگاه با اعتقاد راسخ و حب عالمانه و آگاهانه به این امر توجه مبذول گردد که آنحضرت «ص» نه کتب سیر و حکمت و نه هم کتب و آثار گذشته گان را میدانستند و نه از تجربه کسی آموخته بودند! پس چگونه توانستند که بر اعراب سرکش و جاهلیت مسلط شده و رام سازند ؟ چطور با تدبیر و فراست بر قلوب آنها چیره شده و توفیق حاصل نمایند تا دلهای سخت شانرا نرم و بدور خویش جمع کنند . و تاسرحدی محب و مطیع گردیدند که در برابر راه رسول و خالق یکتایش از جان و مال ، زن و فرزند همه گذشته ، مقاطعه و مقاتله نمایند؟ بدون شک تاثیر اعجاز و اندرز قرآن کلام و پیغام خدای لایزال بی زوال و جز نتیجه فهم و دانش عالی و بلند، فراست و توانایی علمی و عملی مخلصانه و بیریای پیامبر بزرگوار ازین قانون متبصر کامل و عادلانه آسمانی چیزی دیگری نمیتواند تصور یا توجیه شود . درجه بلند عقلی و هوشیاری و سجایای عالی اخلاقی رسول کریم «ص» در پیاده سازی اهداف عالی رفاه و رهایی انسان نقش بسزایش را داشته است .

رسول الله مبارک در چنان سطح و مرتبه وسیع و بلند اخلاقی قرار داشتند ؛ منافقانیکه در غیاب خصومت میورزیدند، مذمت و بدگویی مبارک را می نمودند ، در پیش روی و حضور مبارکشان به تملق و چاپلوسی می پرداختند . وقتی یاران و اصحاب مبارکشان میگفتند که : با آن قومی که با شما مقاتله میکنند ، دندان مبارک شما رابه شهادت رسانیده و خون وجود شما را میریزند نفرین و لعنت بفرستید . آنحضرت « با سلاح علم و حلم » پاسخ داده و فرمودند : « من برای این نیامده و مبعوث نگردیده ام که به مردم نفرین و لعنت بگویم ؛ بلکه بعثت من دعا و رحمت است... »

حضرت پیامبر اسلام محمد مصطفی «ص» شخصیت دارای کرکتر آرام، امین باوقار، متواضع ، بسیار خوش خوی، با صدق محبت و مهربان و راستکار بودند که یکی از عناصر بزرگی و کامیابی شان بشمار می آید و از همینجاست که در قلوب مردم جای داشته و دارند .

قوی و ضعیف ، زور آور ، و ناتوان را یک سان و با یک نظر میدیدند و بر خورد می نمودند . از ضعفا و فقرا بیشتر و زیادتر و ارسای بعمل می آوردند . از مریضان عیادت میفرمودند ، به جنازه اشتراک میورزیدند ، مردم را به حسن سلوک و نیکوکاری دعوت و کمک می نمودند . در راه رفع مشکلات فردی و اجتماعی با خلوص نیت و صادقانه سعی و تلاش خستگی نا پذیر بخرچ میدادند . « دین شان ایمان و سر مشق شان قرآن بود » . آنچه که قرآن می خواست ، مبارک هم همان رامیخواست ؛ و چیزی که در قرآن نهی شده بود آنرا دوست نداشتند و اجازه نمیدادند .

پایان